

گسترش کشت غیرقانونی خشخاش در کشور

■ **حسین فصیحی**

در حالی که نظام سلامت کشور با چالش کمبود برخی داروهای حیاتی مواجه است، مسئله تأمین مواد اولیه داروهای مخدر و مسکن به یکی از دغدغه‌های جدی صنعت داروسازی و سیاست‌گذاران حوزه سلامت تبدیل شده‌است. کاهش کشفیات تریاک، ممنوعیت کشت خشخاش در افغانستان، افزایش نیاز صنایع دارویی و در مقابل رشد نگران‌کننده کشت غیرقانونی خشخاش در برخی استان‌های کشور، شرایطی را رقم زده که می‌تواند به بحرانی چندوجهی در حوزه سلامت، امنیت و آسیب‌های اجتماعی منجر شود.

■ ■ ■

سال‌ها بخشی از مواد اولیه مورد نیاز برای تولید داروهای مخدری همچون کدئین، مورفین و شربت تریاک از محل کشفیات مواد مخدر تأمین می‌شد، اما تغییر الگوی قاچاق در منطقه، کاهش ورود تریاک به کشور و سیاست‌های سختگیرانه طالبان در افغانستان برای ممنوعیت کشت خشخاش، این منبع تأمین را با محدودیت جدی روبه‌رو کرده‌است. به گفته مسئولان صنعت داروسازی، بخشی از کمبود داروهایی مانند کدئین مستقیماً به دشواری تأمین ماده اولیه آن بازمی‌گردد؛ موضوعی که ارتباطی با تحریم‌ها ندارد و ریشه در تحولات بازار مواد مخدر منطقه دارد.

■ **کشت قانونی الیغرا**

در چنین شرایطی، ستاد مبارزه با مواد مخدر سال گذشته از تصویب کشت گیاه «شقایق الیغرا» برای تأمین مواد اولیه داروهای مخدر پزشکی خبر داد. مسئولان تأکید کرده‌اند که این گیاه با خشخاش سنتی تفاوت دارد و امکان استخراج تریاک از آن به روش‌های معمول وجود ندارد. همچنین تمامی مراحل کشت، برداشت و استحصال آن قرار است تحت نظارت کامل دولت و در چارچوب پروتکل‌های بین‌المللی انجام شود.

اما مسئله اینجاست که شقایق الیغرا هنوز وارد مرحله تولید گسترده نشده و حتی در صورت اجرای کامل طرح، نمی‌تواند همه نیازهای دارویی کشور را به سرعت جبران کند. از سوی دیگر برخی داروها، از جمله شربت تریاک، تنها از فرآورده‌های حاصل از خشخاش و تریاک قابل تولید هستند. همین فاصله میان نیاز واقعی صنعت دارو و ظرفیت‌های موجود، زمینه‌ساز شکل‌گیری افزایش کشت غیرقانونی خشخاش در نقاط مختلف کشور شده‌است.

■ **کشت‌های غیرقانونی**

گزارش‌های رسمی از استان‌های مختلف نشان می‌دهد کشت غیرقانونی خشخاش دیگر یک پدیده محدود و پراکنده نیست. در ماه‌های اخیر مزارع متعددی در کرمانشاه، خوزستان، قصرشیرین، شوش، حمیدیه و سایر مناطق کشور شناسایی و امحا شده‌اند. در برخی موارد وسعت این مزارع

به دهها هزار متر مربع رسیده و این مزارع معدوم شده است با این حال امحای این مزارع گاهی یسه درگیری هم منجر می‌شود از جمله حادثه‌ای که ۱۸ شهریور سال گذشته در شهرستان دزپارت در شمال خوزستان اتفاق افتاد و در جریان آن ستوان اصغر بندری از مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان ایذه به شهادت رسید. حتی گزارش‌هایی وجود دارد که برخی کشاورزان به دلیل جذابیت اقتصادی این محصول، زمین‌های خود را از کشت محصولات سنتی به سمت خشخاش سسوق داده‌اند که این موضوع نشانه‌ای از شکل‌گیری یک اقتصاد زیرزمینی خطرناک است. وقتی سود حاصل از کشت خشخاش از بسیاری محصولات کشاورزی بیشتر باشد، برخی بهره‌برداران در شرایط دشوار اقتصادی وسوسه می‌شوند وارد این چرخه شوند، اما نتیجه چنین روندی می‌تواند افزایش دسترسی به مواد مخدر، گسترش شبکه‌های قاچاق و تشدید آسیب‌های اجتماعی باشد.

■ **بحران اعتیاد**

نگرانی زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم ایران هم‌اکنون نیز با یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اعتیاد در منطقه مواجه است، برآوردها نشان می‌دهد حدود ۳ میلیون



نفر مصرف‌کننده مواد مخدر در کشور وجود دارند و با احتساب خانواده‌های آنان، نزدیک به ۱۲ میلیون نفر به نوعی درگیر مسئله اعتیاد هستند. این بحران سالانه میلیاردها دلار هزینه مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند؛ از هزینه خرید مواد و درمان گرفته تا خسارت‌های ناشی از جرم، زندان، کاهش بهره‌وری و فروپاشی خانواده‌ها.

کارشناسان هشدار می‌دهند که گسترش کشت خشخاش می‌تواند روند کنترل اعتیاد را دشوارتر کند. محصول تولیدشده در این مزارع معمولاً خالص‌تر از تریاک موجود در بازار است و همین مسئله خطر وابستگی شدیدتر مصرف‌کنندگان را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، هر چه تولید داخلی مواد مخدر بیشتر شود، هزینه دسترسی کاهش یافته و احتمال گسترش مصرف نیز بالا می‌رود.

■ **منع قانونی**

از سوی دیگر، کاهش کشفیات تریاک و محدود شدن منابع سنتی تأمین مواد اولیه دارویی، یک تناقض جدی را ایجاد کرده‌است. کارخانه‌های داروسازی برای تولید داروهای ضروری به مواد اولیه نیاز دارند، اما قانون همچنان هر گونه

کشت خشخاش را ممنوع می‌داند. مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر تأکید می‌کنند که هیچ مجوزی برای کشت خشخاش صادر نشده و تنها گزینه قانونی، توسعه کشت شقایق الیغرا است. با این حال برخی کارشناسان حوزه دارو معتقدند کشور ناگزیر است درباره بازکشت به کشت کنترل‌شده و قانونی خشخاش یا افزایش واردات رسمی مواد اولیه تصمیم‌گیری کند.

■ **تجربه‌های مشابه**

تجربه کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد تولید داروهای مشتق از تریاک لزوماً به معنای گسترش اعتیاد نیست. کشورهایی مانند استرالیا و اسپانیا سال‌هاست تحت نظارت نهادهای بین‌المللی خشخاش تولید و مواد اولیه صنایع داروسازی را تأمین می‌کنند. تفاوت اصلی در وجود نظام‌های دقیق نظارتی، زنجیره رهگیری محصول و مجازات‌های بازدارنده برای هرگونه انحراف از مسیر قانونی است. در ایران اما هنوز حتی درباره اجرای کامل طرح شقایق الیغرا نیز ابهام‌هایی وجود دارد. دو دهه از تصویب اولیه این طرح می‌گذرد، اما هنوز به مرحله‌ای نرسیده که نیاز صنعت دارو را برطرف کند. در همین فاصله، شبکه‌های غیرقانونی در حال استفاده از خلأ موجود هستند و هر روز خیرتازه‌ای از کشف مزارع خشخاش در استان‌های مختلف منتشر می‌شود.

■ **تغییر الگوی مصرف**

موضوع دیگری که نباید از نظر دور ماند، تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در کشور است. کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که کاهش مصرف سنتنی تریاک ممکن است با افزایش مصرف مواد روانگردان خطرناک همراه شود. موادی که درمان‌پذیری کمتری دارند، رفتارهای خشنونت‌آمیز ایجاد می‌کنند و می‌توانند آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تری به همراه داشته باشند. بنابراین هرگونه اختلال در سیاست‌گذاری حوزه مواد مخدر، نه تنها بازار سنتنی مواد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه ممکن است زمینه را برای گسترش مواد جدید و خطرناک نیز فراهم کند.

امروز کشور در نقطه حساسی قرار گرفته است؛ از یک سو بیماران به داروهای حیاتی نیاز دارند و صنعت داروسازی با کمبود اولیه مواجه است، از سوی دیگر رشد کشت غیرقانونی خشخاش می‌تواند امنیت اجتماعی را تهدید کند. اگر برای این دو مسئله راهکاری جامع، علمی و سریع اتخاذ نشود، ممکن است در آینده نزدیک با بحرانی مواجه شویم که هم سلامت مردم و هم امنیت جامعه را تحت‌تأثیر قرار دهد. زنگ خطر به صدا درآمده‌است و زمان تصمیم‌گیری‌های مقطعی و تعلل‌های چندساله به پایان رسیده‌است.

رئیس پلیس راهور فراجا اعلام کرد که تمامی خدمات این مجموعه بدون محدودیت و طبق روال قانونی در حال ارائه به شهروندان است.

■ ■ ■

سردار سیدتیمور حسینی با اشاره به عادی شدن روند خدمت‌رسانی در حوزه‌های مختلف انتظامی و ترافیکی گفت: خوشبختانه در حال حاضر تمامی خدمات پلیس راهور در کشور به شرایط عادی برگشته و روند ارائه خدمات بدون هیچ گونه محدودیتی در حال انجام است.

وی افزود: در شرایط جنگی برخی تسهیلات با محدودیت مواجه بود، اما با بازگشت کامل شرایط به وضعیت عادی، تمامی خدمات از جمله شماره‌گذاری وسایل نقلیه، رسیدگی به امور اجرائیات، صدور گواهینامه و فرآیندهای مرتبط با وکالت‌نامه‌ها طبق روال معمول در حال انجام است و شهروندان می‌توانند از طریق مراکز پلیس ۱۰۰ و سامانه‌های اینترنتی و سامانه «سخا» برای دریافت خدمات اقدام کنند.

وی تصریح کرد: از روزهای نخست اجرای طرح تسهیلاتی، امکان ارائه برخی خدمات از جمله تمدید گواهینامه به‌صورت غیرحضوری از طریق سامانه‌های الکترونیکی فراهم بوده و در حال حاضر این خدمات با سرعت در حال انجام است.

همچنین چاپ و صدور گواهینامه‌ها به شکل کامل و منظم در حال انجام بوده و آموزشگاه‌های رانندگی در سراسر کشور نیز فعال هستند. حسینی گفت: شهروندان در صورت پایان اعتبار گواهینامه یا وکالت‌نامه‌های خود لازم است در زمان مقرر نسبت به تمدید آن اقدام کنند تا از بروز مشکلات احتمالی در زمان استفاده از خدمات قانونی جلوگیری شود.



خدمات

پلیس راهور

به روال عادی

بازگشت

■ **غلامرضا مسکنی**

شاگرد سابق که سال‌ها زیر نظر استاد تکواندو تمرین کرده بود، به خاطر اختلاف مالی ۴ میلیارد تومانی، او را به قتل رساند و بصرای پنهان کردن جسد، خانه‌اش را آتش زد. قاتل دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.

■ ■ ■

چندی قبل، ساکنان یک ساختمان مسکونی در حوالی کلانتری ۱۰۵ سنایی، ناگهان متوجه آتش‌سوزی در یکی از واحدها شدند. دود سیاه از پنجره‌ها بیرون می‌زد و شعله‌های آتش در حال گسترش بود. آنها بلافاصله حادثه را به آتش‌نشانان و پلیس گزارش دادند. آتش‌نشانان به سرعت در محل حاضر شدند و پس از دقایقی تلاش، آتش را مهار کردند. آتش‌نشانان در ادامه با جسد مرد میانسالی داخل حمام که به طرز مشکوکی جان خود را از دست داده بود، روبه‌رو شدند.

■ **شناسایی مقتول؛ مرئی تکواندو**

بررسی‌ها نشان داد جسد متعلق به صاحب خانه، مرد ۵۰ساله‌ای به نام محسن است. او سال‌ها در رشته تکواندو به عنوان مرئی در باشگاه‌های مختلف فعالیت داشت. به گفته همسایه‌ها، محسن چند سال بود در این ساختمان تنها زندگی می‌کرد و دوستانش جنبایی تهران منتقل شد و با اظهار پشیمانی به قتل مرئی تکواندو اعتراف کرد. متهم برای ادامه تحقیقات و فاش شدن زوایای پنهان این حادثه به دستور بازپرس جنبایی در اختیار کارآگاهان اداره دم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ **اختلاف ۴ میلیاردی؛ انگیزه قتل استاد تکواندو**

قاتل، مرد ۵۲ساله‌ای است که خود را مهندس معرفی می‌کند و سال‌ها به عنوان شاگرد، زیر نظر استاد تکواندوی مقتول تمرین کرده بود. او در اعترافات خود ادعا کرد که انگیزه قتل، اختلاف مالی ۴ میلیارد تومانی بین او و مقتول بوده‌است.

حمیدا؛ چه اختلافی با مرئی تکواندو داشتی؟

ما اختلاف مالی داشتیم و گرنه اختلاف دیگری با من نداشتیم. اتفاقاً خیلی با هم

قتل مرئی تکواندو به دست شاگرد سابق

دوست بودیم. من علاقه زیادی به تکواندو داشتم و به همین خاطر چند سالی زیر نظر او تکواندو کار کردم و شاگردش بودم. ما هم با هم رابطه خوبی داشتیم، اما چند ماه قبل، او گفت دوستانی دارد که می‌تواند از طریق آنها تجهیزات ورزشی وارد کند و از من خواست سرمایه‌گذاری کنم. گفت سود خوبی به دست می‌آوریم. من ۴ میلیارد تومان به او دادم، اما او نه کالایی وارد کرد و نه پولم را بر گرداند.

شما فرد تحصیلکرده‌ای هستی؛ یعنی فقط به خاطر اختلاف مالی مرتکب قتل شدی؟

بله، من مهندس هستم، اما اشتباه کردم. هر زمان از او می‌خواستم پولم را پس دهد، امروز و فردا می‌کرد و گاهی هم به تلفن‌های من جواب نمی‌داد. حتی در خانه‌اش را روی من باز نمی‌کرد. هر روز اختلاف مابیشتر می‌شد، اما تصور نمی‌کردم این موضوع دست مرا به خون او آلوده کند. بابر کنید من قصد قتل نداشتم و این حادثه اتفاقی بود.

چه شد که روز حادثه به خانه‌اش رفتی؟

مدتی بود می‌خواستم او را ببینم و درباره طلبم با او حرف بزنم، اما او به باشگاه هم نمی‌آمد و تلفن‌هایم را جواب نمی‌داد. روز حادثه جلوی خانه‌اش رفتم و هر چندر زنگ خانه را زدم، در را باز نکرد. می‌دانستم داخل خانه است و در را به روی من باز نمی‌کند. به همین دلیل منتظر ماندم تا اینکه یکی از همسایه‌ها از خانه خارج شد و در ساختمان را نیست، وارد ساختمان شدم و پشت در خانه‌اش زنگ رفتم و در زدم. او نمی‌دانست که من پشت در هستم و در را باز کرد. وقتی مرا دید، نمی‌خواست مرا به داخل خانه راه بدهد. پامیر را جلوی در گذاشتم و با هم درگیر شدیم. او را هل دادم تا وارد خانه‌اش شوم که تعادلش را از دست داد و سرش به دیوار برخورد کرد. او را به داخل خانه کشاندم و بعد فهمیدم که فوت کرده‌است. از ترس فرار کردم.

۴ یادداشت

گران‌فروشی سرقت خاموش از سفره مردم

گران‌فروشی فراتر از یک رفتار یا اقدام خلاف قانون در سطح خرده‌فروشی، یک بیماری اقتصادی است که می‌تواند کل ساختار سلامت کشور را بین ببرد. وقتی قیمت‌ها به‌صورت کاذب بالا می‌روند، زنجیره‌های از واکنش‌های مخرب در اقتصاد ایجاد می‌شود. در اینجا تأثیرات نامناسب گران‌فروشی را در چهار سطح اصلی بررسی می‌کنیم:

۱- **تأثیر بر «قدرت خرید» و «سطح معیشت» (سطح اجتماعی)**

این مستقیم‌ترین و دردناک‌ترین اثر گران‌فروشی است:

- **کاهش واقعی در آمد:** وقتی قیمت کالاها، به‌ویژه کالاهای اساسی مثل مواد غذایی و دارو به‌صورت کاذب بالا می‌رود، قدرت خرید کاهش می‌یابد. در واقع، مردم فقیرتر می‌شوند بدون اینکه در آمدشان تغییر کرده‌باشد.

- **افزایش شکاف طبقاتی:** گران‌فروشی باعث می‌شود کالاهای ضروری برای بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه (کم‌درآمد) دست‌نیافتنی شود و ثروت به سمت کسانی که توان پرداخت قیمت‌های کاذب را دارند، حرکت کند. این امر منجر به ناامنی اجتماعی می‌شود.

۲- **تأثیر بر «تورم» و «ثبات پولی» (سطح کلان اقتصادی)**

گران‌فروشی یکی از محرک‌های اصلی تورم است:

- **گران‌فروشی باعث می‌شود بازار از حالت «قابلی و کارآمد» خارج شود:** وقتی قیمت‌ها بالا می‌رود، مردم انتظار دارند فرام‌گرد این «انتظار تورمی» باعث می‌شود همه شروع به بالا بردن قیمت‌ها کنند و یک چرخه باطل ایجاد شود که کنترل آن بسیار دشوار است.

- **تخریب ارزش پول ملی:** با رفتن بی‌رویه قیمت‌ها در بازار داخلی، اعتماد به پول ملی را از بین می‌برد و مردم را به سمت خرید ارز یا دارایی‌های فیزیکی (مثل طلا) سوق می‌دهد که خود باعث بی‌ارزش شدن ریال می‌شود.

۳- **تأثیر بر «توزیع منابع» و «بازار» (سطح ساختاری)**

گران‌فروشی باعث می‌شود بازار از حالت «قابلی و کارآمد» خارج شود:

- **تضعیف رقابت سالم:** در بازار سالم، شرکت‌هایی که کیفیت بهتر یا قیمت پایین‌تر دارند، برنده می‌شوند، اما در فضای گران‌فروشی و احتکار، کسانی که قدرت انبارداری یا نفوذ سیاسی دارند، برنده می‌شوند. این یعنی به جای «تولیدکننده کارآمد»، «واسطه نفع‌جو» در بازار حکمرانی می‌کند.

- **تخصیص نادرست منابع:** وقتی قیمت‌ها کاذب است، سرمایه‌ها به جای اینکه صرف تولید و ساخت‌وساز شوند، به سمت «سودهای سریع از طریق واسطه‌گری و گران‌فروشی» حرکت می‌کنند. این یعنی سرمایه‌ها از بخش تولید (که ارزش‌افزوده دارد) خارج و به بخش واسطه‌گری (که ارزش‌افزوده ندارد) منتقل می‌شود.

۴- **تأثیر بر «اعتماد عمومی» و «اقتصاد غیررسمی»**

- **از بین رفتن اعتماد به نهادها:** وقتی مردم احساس کنند بازار کنترل نمی‌شود و گران‌فروشی حاکم است، اعتمادشان به سیستم بانکی، دولت و قوانین از بین می‌رود.

- **رشد اقتصاد غیررسمی:** کار به بخش واسطه‌گری و دولتی و قیمت‌گذاری‌های احتمالی، بسیاری از معاملات به سمت بازارهای سیاه و غیررسمی می‌روند. این یعنی دولت کنترل کمتری بر پول‌های در گردش دارد و مالیات‌گیری کاهش می‌یابد.

اگر بخواهیم گران‌فروشی را در یک جمله خلاصه کنیم: گران‌فروشی، ثروت تولید شده در جامعه را از بخش تولیدی و کار به بخش واسطه‌گری و بی‌عمل منتقل می‌کند.

این پدیده باعث می‌شود جامعه به جای رشد، دچار تخریب ثروت شود؛ یعنی در حالی که کالاها و خدمات موجود هستند، اما به دلیل قیمت‌های کاذب، از دسترس مردم خارج شده و اقتصاد در یک دورم به فقر گرفتار می‌ماند.

■ **هر شهروند یک ناظر اقتصادی**

هر شهروند باید در شرایط موجود یک ناظر اقتصادی باشد. از این‌رو پلیس امنیت اقتصادی فراجا با راهاندازی ستاد خبری تلاش دارد با بهره‌گیری از اخبار و اطلاعات مردم با سرعت و دقت بیشتری با مفسدان و مجرمان اقتصادی که محتکران و گرانفروشان بخشی از آنان هستند برخورد نماید. اخبار و اطلاعات خود را در بستر سروش، بله و اینا به آدرس @police30110ارسال کنند.

پذیرش توبه به تلو قطعی نشده‌است

تصمیم نهایی در مورد پذیرش توبه امیرحسین تلتلو، خواننده زیرزمینی که به جرم توهین به مقدسات به اعدام محکوم شده‌گرفته نشده‌است. مجید نقشی و کیل تتلو به ایستگاه گفت که تتلو جزو عنفوشدگان اعیاد سعید قربان و غدیر خم نبود. وی همچنین موضوع مطرح شده درباره مرخصی تتلو برای مداحی در ایام محرم را تکذیب کرد. و کیل متهم درباره آخرین وضعیت توبه موگش گفت: توبه موکلم از سوی دادگاه پذیرفته شد و پرونده برای طی مراحل نهایی به رئیس فوه قضائیه ارسال شد. ولی هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده‌است. بر اساس این گزارش تتلو به اتهام تشویق به فساد با رأی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ۱۰ سال حبس محکوم شد که در حال گذراندن حبس است. متهم به جرم توهین به مقدسات در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک تهران به پنج سال حبس محکوم شد که رأی صادر شده در شعبه ۹ دیوان عالی نقض شد. پس از آن تتلو در شعبه شش دادگاه کیفری یک (هم‌عرض) محاکمه و این‌بار به اعدام محکوم شد. رأی صادر شده در مرحله فرجام‌خواهی در دیوان عالی قرار داد.

چرا خانه‌اش را آتش زد؟

وقتی فرار کردم، کلید خانه‌اش را برداشتم. در روز بعد دوباره وارد خانه‌اش شدم و دیدم هیچ‌کس متوجه حادثه نشده‌است. می‌خواستم جسد را به بیرون منتقل کنم، اما احتمال دادم همسایه‌ها ببینند از طرفی می‌دانستم جسد متعفن می‌شود و همسایه‌ها متوجه می‌شوند یا بستگانش نگران می‌شوند و اعلام مفقودی می‌کنند. به همین دلیل تصمیم گرفتم خانه را آتش بزنم تا عمرگ او را حادثه آتش‌سوزی جلوه دهم و هیچ‌زدی از خودم به جا نگذارم. مقداری بنزین تهیه کردم، جسد را به حمام کشاندم و خانه را آتش زدم و دوباره فرار کردم.

الان چه حسی داری؟

(با چشمانی اشک‌آلود) خیلی پشیمان هستم. کاش هرگز این کار را نمی‌کردم.

